

بررسی و مقایسه عنصر « زمان » از دیدگاه جerald پرینس و ژرار ژنت در دو داستان از
هاروکی موراکامی (بید نایینا، زن خفته) و (میمون شیناگاوا)

مریم زاهدین فرد^۱

فاطمه توکلی رستمی^۲

چکیده

یکی از مسائل مهمی که در نظریه ساختارگرایی به آن پرداخته شده، رابطه میان زمان و روایت و چگونگی تبلور زمان در روایت است و همچنین یکی از راه‌هایی که باعث عینی شدن این امر انتزاعی می‌شود، کنش روایت است. بر مبنای تحلیل ساختارگرایان، زمان که یکی از مؤلفه‌های اصلی پیشبرد هر روایت است، به همراه علییت، خط داستان را پیش می‌برد. جerald پرینس (۱۹۴۲) و ژرار ژنت (۲۰۱۸ - ۱۹۳۰) دو نظریه پرداز ساختارگرا، در ارتباط با زمان در روایت، دیدگاه‌هایی را بیان می‌دارند که این پژوهش به مقایسه این دو دیدگاه و بررسی آنها در دو داستان کوتاه «بید نایینا، زن خفته» و «میمون شیناگاوا» از هاروکی موراکامی می‌پردازد. نتیجه نشان می‌دهد که ژرار ژنت برای این که یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم روایت‌شناسی، یعنی مسئله زمان را با الگوی ساده‌تری ارائه دهد «فاصله زمانی» و «مدت زمان روایتگری» در دیدگاه پرینس را حذف کرده؛ مبحث «سرعت روایت» در دیدگاه پرینس را با دو مفهوم جداگانه «تداوم» و «بسامد» تعریف می‌کند. افزون بر آن ژنت با توجه به دیدگاه‌های نظریه پردازان دیگر در باب زمان، کارکرد آن و گونه‌های آن در روایت، نظریه‌های دیگر روایت‌شناسان را جرح و تعدیل کرده و تعریفی جامع‌تر و کامل‌تر را مطرح می‌کند. پژوهش حاضر به شیوه پژوهش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: عنصر زمان، جerald پرینس، ژرار ژنت، بید نایینا - زن خفته، میمون شیناگاوا

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. mzahedi84@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه پیام نور تهران جنوب (نویسنده مسئول). mahoor1tr@gmail.com

خلاصه داستان بید نایینا، زن خفته

راوی به همراه پسر عمویش به بیمارستان برای درمان به دکتر جدیدی مراجعه می‌کند. پسر عمو از مشکل شنوایی رنج می‌برد. وی در دوره ابتدایی به علت ضربه توپ که به گوشش خورده بود دچار مشکل شنوایی از یک گوش شده است. در بیمارستان، راوی هنگامی که پسر عمو نزد دکتر به سر می‌برد تنها در رستوران می‌نشیند و به خاطراتی فکر می‌کند که در گذشته، هنگامی که با دوستش برای عیادت نامزد دوستش رفته بود، اتفاق افتاده بود. نامزد دوستش خلاصه داستانی را که یک شب در خواب دیده و در مورد آن شعر طولانی نوشته بود تعریف می‌کند. او از درخت بید نایینایی می‌گوید که کوچک است اما ریشه‌های عمیقی دارد و دختری که در خانه‌ای به خواب رفته است. این درخت گرده‌های زیادی دارد و مگس‌های ریزی که آغشته به این گرده‌ها است. مگس‌ها همراه با گرده‌ها به درون گوش دختر می‌روند و او را به خواب می‌برند و بدن دختر را می‌خورند.

خلاصه داستان میمون شیناگوا

میزوکی یک سالی است که نامش را فراموش می‌کند و این مشکل برای او دردسر آفرین شده است نکته مهم اینجاست که او غیر از نامش هیچ چیز دیگر را فراموش نمی‌کند. به صورت اتفاقی با مشاوره در مرکز بخشداری آشنا می‌شود در طی دوره‌های مشاوره او ماجرای درباره اتیکت تعریف می‌کند. یکی از قوانین مدرسه‌ای که او در نوجوانی در آن درس می‌خواند این بود که هر کسی در خوابگاه یک اتیکت داشت که جلوی آن با رنگ سیاه و پشت آن با رنگ قرمز نام دانش آموز نوشته شده بود و در تابلوی ورودی ساختمان جا می‌گرفت. هرگاه کسی از ساختمان بیرون می‌رفت آن را با رنگ قرمز می‌گذاشت و اگر هم در اتاقش بود به رنگ مشکی و اگر چند روزی نبود اتیکت را برمی‌داشت. یوکو یکی از دانش‌آموزان بود که یک روز به صورت غیر منتظره پیش میزوکی می‌آید و اتیکت خود را به او می‌دهد تا برایش نگه دارد از ترس اینکه مبادا کسی آن را بدزد. چند روز بعد میزوکی متوجه می‌شود که یوکو خودکشی کرده است و میزوکی درباره اتیکت با کسی صحبت نمی‌کند و آن را همراه با اتیکت خود در جعبه‌ای در خانه خود نگهداری می‌کند. خانم ساکاکا (مشاور) بعد از دو ماه معما را به کمک همسرش که در همان بخشداری کار می‌کند حل می‌کند. همسرش میمونی را که در فاضلاب‌های شهر مخفی شده پیدا می‌کند. میمون ادعا می‌کند که نام افراد را می‌دزد. میمون قصد دزدیدن نام یوکو را داشته و آن را پیدا نکرده است. یک سال پیش متوجه می‌شود که اتیکت در خانه میزوکی است و هر دو اتیکت را می‌دزدد و میمون واقعیاتی را در مورد گذشته میزوکی به او می‌گوید و میزوکی میمون را می‌بخشد و اجازه می‌دهد در جنگل رهایش کنند.

مقدمه

روایت نقل برخی وقایع است که با ترتیب و توالی داستانی، شیوه‌های گوناگونی را در اختیار نویسنده برای ارائه راه کارها و تکنیک‌های هنری موفق، در بازنمود جهان داستانی خود می‌گذارد و به روابط زمانی میان داستان و روایت اشاره دارد. ریمون کنان^۱ در این باره می‌گوید: «مختصه روایت کلامی به این است که در آن، زمان، مولفه اصلی ابزار بازنمایی (زبان) و شیء بازنموده (حوادث داستانی) محسوب می‌شود. بنابراین، زمان در پرتو گاهشماری میان داستان و متن معنا می‌یابد» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۲).

دانش روایت‌شناسی می‌کوشد «شرحی از نظام حاکم بر تمام روایت‌های داستانی ارائه دهد افزون بر آن شیوه‌ای ارائه کند که با آن بتوان تک‌تک روایت‌ها را - به منزله محصول منحصر به فرد - به نظامی همگانی تبدیل کرد تا جایی که در یک تحلیل روایی می‌توان تمهیدهای گوناگونی را کشف کرد که به شکل‌گیری یک اثر روایی بیانجامد، ویژگی‌هایی که موجودیت هر متن روایی زمانمند، وابسته به حضور آن‌ها است» (همان: ۴).

ارسطو^۲، نیوتن^۳ و کانت^۴ مقوله زمان را مفهومی مطلق و همگن می‌پنداشتند اما کانت زمان را «مفهومی ذهنی» نیز تلقی می‌کرد. از سوی دیگر هانری برگسون^۵ و فروید^۶، هر یک به روش خود، با توجه به اهمیت عنصر آگاهی در فهم بهتر زمان، مفهومی ذهنی به زمان دادند. برگسون زمان را به «زمان عام»، «زمان علمی کیهانی» و «زمان شخصی» تقسیم کرد. برگسون معتقد بود: گذشته در خاطرات ذهن انسان، زمان حال تلقی می‌شود و روند تفکر حالت سیالی دارد یعنی همان سیال ذهنی که ویلیام جیمز^۷ معرفی کرد. فروید نیز برای تشخیص زمان شخصی از اهمیت رویا سخن گفت؛ امری که گذشته و حال مدام در آن جابجا می‌شوند، پس زمان عنصری برگشت‌ناپذیر می‌شود (بی‌نیاز، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

جرالد پرنس^۸ می‌گوید: روایت عبارت است از بازنمایی دست کم دو رویداد یا موقعیت در یک گستره‌ی زمانی معین که هیچ کدام پیش‌فرض یا پیامد دیگری نباشد (پرنس، ۱۳۹۱: ۱۰).

-
- 1- Rimmon-Kenan
 - 2- Aristo
 - 3- Newton
 - 4- Kant
 - 5- Henri Bergson
 - 6- Freud
 - 7- William James
 - 8- Prince Gerald

جرالد پرنس در سال ۱۹۷۰ در نشریه «urtne» در مورد زمان در روایت نظریات خود را منتشر کرده است و ژرار ژنت^۱ اولین بار در سال ۱۹۷۲ کامل‌ترین و جامع‌ترین نظریه خود در ارتباط با زمان روایت را در مقاله‌ای تحت عنوان «گفتمان روایی» مطرح می‌کند. ژرار ژنت مطالعات بسیار عمیقی در این زمینه انجام داده است. وی نظریه خود را دربارهٔ زمان روایت در راستای تکامل نظریات سایر نظریه پردازان عرضه می‌کند. ما با بررسی این نظریه در دو داستان از هاروکی موراکامی^۲ و مقایسه آن با دیدگاه جرالد پرنس در حوزه زمان به میزان تکامل تکامل این نظریه می‌پردازیم.

دیدگاه ژرار ژنت به عنصر زمان در روایت

«بسیاری بر این باورند که کتاب گفتمان روایی، اثر ژرار ژنت مهمترین اثری است که به شناخت روایت‌شناسی یاری می‌رساند» (برتس، ۱۳۸۷: ۸۷). به عقیده ژنت: «سخن روایی، هیچ سوئیۀ زمانمندانۀ ای ندارد به جز آن سوئیۀ زمانی که بر مبنای نظمی افقی، هویتش را از زمان خوانش به دست می‌آورد» (قاسمی پور، ۱۳۸۷: ۱۲۷). ژنت سه مفهوم مهم از زمان را در روایت‌شناسی معرفی می‌کند.

۱- (چه زمانی) نظم و ترتیب

۲- (چه مدت) تداوم روایت

۳- (چند وقت یک بار) تکرار یا بسامد

این مفاهیم کمک شایان ذکری به فهم ما نسبت به ارتباط‌های زمانی در روایت می‌کند.

نظم و ترتیب

هانس برتنس^۳ می‌گوید: روایت می‌تواند موقتاً از ترتیب زمانی رخدادها عقب بیفتند، روایت می‌تواند با رخدادها هم‌زمان باشد، یا می‌تواند از آنها جلو بیفتد ژنت از تمامی روابطی که ممکن است بین ترتیب زمانی رخدادها و ترتیب روایت پیش آید، تحلیلی دقیق ارائه داد. (برتس، ۱۳۸۷: ۸۸ و ۸۷) ژنت هرگونه ناهماهنگی و انحراف در نظم و آرایه عناصر متن را از نظم وقوع عینی رخدادها در داستان، «زمان پریشی» می‌نامد و این زمان پریشی نقل پاره‌ایی از متن در مقطعی زودتر یا دیرتر از موقعیت طبیعی و منطقی توالی رویدادها است (بهنام‌فر، شامیان، طلایی، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

دیوید هرمن^۱ معتقد است: تعاریف راهگشای ژنت درباره زمانبندی روایی را می‌توان الگوی گاه‌شناسی جهان داستان قلمداد کرد. به بیان دیگر هر کدام از شیوه‌های روایتگری مورد نظر ژنت یعنی روایتگری هم-

1- Genet Gerald

2- Murakami Haruk

3- Hans Bertens

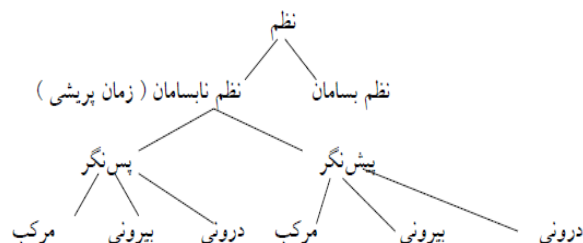
بررسی و مقایسه عنصر «زمان» از دیدگاه جerald پریش و ژرار ژنت ... ۱۰۷۱۱۱

زمان، پس‌نگر، پیش‌نگر را می‌توان بر حسب سازوکار منحصر به خود آن شیوه تعریف کرد (هرمن، ۱۳۹۳: ۱۷۹).

روایتگری «پس‌نگر» یا «گذشته‌نگر» روایتگری است که رخدادی که قبلاً رخ داده، بعداً در متن داستانی روایت شود این نوع روایتگری مجالاً به گستردگی تاریخ جهان داستان را در اختیار راوی می‌گذارد تا او بازنمایی زنجیره‌ی علی‌رودادها را از سرآغازی هرچه دورتر پی بگیرد.

روایت «گذشته‌نگر» سه نوع دارد یکی «گذشته‌نگر بیرونی» که بیان رخدادی است که به لحاظ زمانی، پیش از روایت اصلی روی داده باشد و هدف آن ارائه اطلاعات درباره شخصیت‌ها و رخدادها به مخاطب است و البته درباره شخصیت اصلی داستان نیست. «گذشته‌نگر درونی» بیان رخدادی است که به لحاظ زمانی، پیش از آغاز روایت اصلی روی داده است و درباره شخصیت اصلی داستان است. و اگر ترکیبی از گذشته‌نگر درونی و بیرونی در روایت مشهود باشد با روایت «گذشته‌نگر مرکب» روبرو هستیم.

روایتگری «پیش‌نگر» یا «آینده‌نگر» یعنی بازنمایی حوادثی که پس از زمان حال داستان و در آینده رخ خواهند داد. گویی روایت به آینده داستان گریز می‌زند و زمان داستان بر زمان روایت پیشی می‌گیرد. آینده-نگرها نیز چون گذشته‌نگرها می‌توانند «بیرونی» یا «درونی» یا «مرکب» باشند (بهنام‌فر، شامیان، طلایی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).



۱- تداوم روایت

مفهوم زمانی دوم که ژنت معرفی می‌کند عنصر «تداوم» است. رابطه بین مدت زمانی که واقعه در جهان داستان رخ می‌دهد و مدت زمانی که این واقعه روایت می‌شود تداوم روایت خوانده می‌شود. ژنت تداوم را به سه نوع تقسیم می‌کند.

۱۰۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

روایت می‌تواند «روندی ثابت و معیار» داشته باشد. یعنی مدت زمانی که واقعه در جهان داستان رخ می‌دهد (زمان داستانی) و مدت زمانی که رویدادهای داستانی روایت می‌شوند با سرعتی یکسان و به موازات هم پیش برود. گاهی نیز روایت «روند مثبت» دارد یعنی نویسنده با خلاصه‌گویی و کم کردن توصیف حادثه‌ای که در چند روز اتفاق افتاده را در چند سطر بیان می‌کند. و هنگامی که می‌گوییم روایت «روند منفی» دارد یعنی نویسنده با شرح و بسط کلام و توصیف و پرداختن به جزئیات زمان روایت کردن، واقعه‌ای کوتاه را طولانی می‌کند (حسن پور، احمد ناطقی، ۱۳۹۶: ۱۳ و ۱۴).

۲- بسامد

بسامد، دفعات رویدادی خاص در داستان و دفعات روایت آن را در متن نشان می‌دهد.

- ۱- روایت مفرد: رویدادی که یک بار رخ می‌دهد و یک بار روایت می‌شود.
- ۲- روایت بازانجام: رویداد چندین بار رخ می‌دهد و یک بار روایت می‌شود.
- ۳- روایت تکراری: رویداد یک بار رخ می‌دهد و چندین بار روایت می‌شود.
- ۴- روایت چندگانه: رویداد چندین بار رخ می‌دهد و چندین بار هم روایت می‌شود. (یعقوبی، ۱۳۹۱: ۲۹۳)

دیدگاه جerald پرینس به عنصر زمان در روایت

۱- روایتگری مؤخر، مقدم، همزمان

روایتگری مؤخر: روایتگری بعد از وقوع رویدادها صورت می‌گیرد.
روایتگری مقدم: روایتگری پیش از وقوع رویدادها صورت می‌گیرد.
روایتگری همزمان: روایتگری همزمان با وقوع رویدادها صورت می‌گیرد.
چندین لحظه مشخص روایتگری وجود دارد که برخی از آن‌ها در میان لحظات مشخص رویدادهای روایت شده صورت می‌گیرد. مثلاً رویدادهایی که در زمان الف رخ می‌دهد در زمان ب نقل می‌شود و رویدادهایی که در زمان ج رخ می‌دهد در زمان د نقل می‌شود ... به این مورد، روایتگری تناوبی گفته می‌شود (پرینس؛ ۱۳۹۱: ۳۲ تا ۳۴).

۲- فاصله زمانی

تعیین اینکه روایتگری دقیقاً چه مدت پیش یا پس از رویدادهای روایت شده صورت گرفته است بسیار دشوار و در اغلب موارد غیر ممکن است. فقط در رمان خاطرات و رمان نامه‌نگاری، زمان روایتگری و زمان رویدادهای روایت شده اغلب آشکارا ذکر می‌شود در این صورت محاسبه زمانی آنها آسان است (همان: ۳۴ و ۳۵).

۳- مدت زمان

در بسیاری از روایت‌ها مدت زمان رویدادهای روایت شده ذکر می‌شود اما مدت زمان عمل روایتگری به ندرت ذکر می‌شود. فقط در روایتگری تناوبی، به ویژه در رمان خاطرات اشاره‌های فراوان، هم به زمان روایتگری وجود دارد و هم به مدت زمان آن. (همان: ۳۶)

۴- ترتیب رویدادها

رویدادها را می‌توان به همان ترتیب رخ دادنشان نقل کرد یا به ترتیبی دیگر. اگر رویداد الف از نظر زمانی پیش از ب و ب پیش از ج قرار بگیرد آنگاه می‌گوییم ترتیب رویدادهای روایت شده و ترتیب روایت کردن یکی هستند. اما می‌توان ب را پیش از الف و ج، یا ج را پیش از الف و ب قرار بدهیم. در این حالت خط داستان و پیرنگ آشکارا با هم فرق دارند. در سطح روایت شده، رویدادها به دو روش اساسی پیوند زمانی می‌یابند: «همزمانی» و «توالی». حفظ توالی رویدادها برای راوی بسیار آسان است. با این حال در روایت کلامی و بنا به ماهیت زبان، راوی در واقع نمی‌تواند همزمانی را حفظ کند بلکه فقط می‌تواند به آن اشاره کند.

آینده‌نگری: وقتی راوی یک یا چند رویداد را پیش از زمان رخ دادنشان ارائه می‌دهد.

گذشته‌نگری: وقتی راوی یک یا چند رویداد را پس از زمان رخ دادنشان ارائه می‌دهد. (همان: ۵۲ تا ۵۴)

۵- سرعت

سرعت روایت مساوی است با رابطه میان مدت زمان رویدادهای روایت شده - یعنی مدت زمان تقریبی که رویدادهای نقل شده طول می‌کشند یا گمان می‌کنیم طول می‌کشند - و طول روایت (مثلاً بر اساس شمار واژگان، سطور، صفحه)

سرعت روایت را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:

حذف: در هیچ جای روایت، از رویدادی که زمان برده است ذکر نشده باشد.

وقفه: اگر در بخشی از روایت، هیچ مقداری از زمان روایت شده حذف نشده باشد.

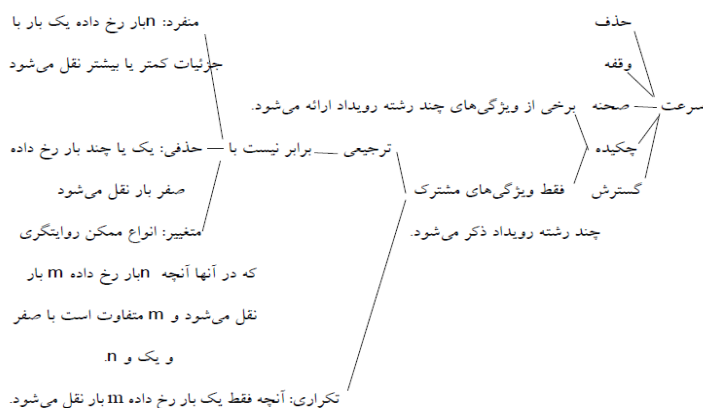
صحنه: هنگامی که میان قطعه روایتی و رویدادهایی که بازنمایی می‌کند رابطه برابری زمانی وجود دارد.

چکیده: مواردی که بین حذف و صحنه قرار می‌گیرند.

گسترش: مواردی که بین صحنه و وقفه قرار می‌گیرند.

چکیده دو نوع اساسی دارد. نوع نخست که احتمالاً رایج‌تر است فقط برخی از ویژگی‌های چند رشته رویداد مختلف ارائه می‌شوند. آنچه را n بار رخ داده یک بار نقل می‌کنیم. این نوع خاص از چکیده، که آن را روایتگری ترجیحی نامیده‌اند در نقطه مقابل روایتگری تکراری قرار دارد. در روایتگری تکراری آنچه را فقط

یک بار رخ داده n بار نقل می‌کنیم. روایتگری ترجیعی با چند نوع روایتگری دیگر نیز متفاوت است: روایتگری منفرد (آنچه را n بار رخ داده است فقط یک بار با جزئیات کمتر یا بیشتر نقل می‌کنم)، روایتگری حذفی (آنچه را یک یا چند بار رخ داده صفر بار نقل می‌کنم) و انواع ممکن روایتگری که در آنها آنچه را n بار رخ داده m بار نقل می‌کنم (و m متفاوت است با صفر، یک، یا n). (همان: ۵۷ تا ۶۳)



مقایسه عنصر زمان در نظریه ژرار ژنت و جerald پرینس

جerald پرینس	ژرار ژنت
مؤخر، مقدم، همزمان	نظم: پس‌نگر، پیش‌نگر، همزمان
فاصله زمان	
مدت زمان	
سرعت روایت: حذف، وقفه، صحنه، چکیده، گسترش چکیده: الف: برخی از ویژگی‌های چند رشته رویداد مختلف ارائه می‌شود ب: فقط ویژگی‌های مشترک چند رویداد یکسان ارائه می‌شود: ۱- ترجیعی: n بار رخ داده یک بار نقل می‌شود که متفاوت است با: منفرد: n بار رخ داده فقط یک بار با جزئیات کمتر یا بیشتر نقل شد. حذفی: n بار رخ داده صفر بار نقل شده. متغیر: انواع ممکن روایتگری که در آنها آنچه را n بار رخ داده m بار نقل شده (m برابر نیست با صفر و یک و n)	تداوم: ثابت و معیار، روند مثبت، روند منفی

بررسی و مقایسه عنصر «زمان» از دیدگاه جرالده پرنس و ژرار ژنت... ۱۱۱

۲- تکراری: یک بار رخ داده و n بار نقل شده	<p>بسامد</p> <p>مفرد: رویداد یک بار رخ می‌دهد، یک بار روایت می‌شود.</p> <p>بازانجام: رویداد چندین بار رخ می‌دهد، یک بار روایت می‌شود.</p> <p>تکراری: رویداد یک بار رخ می‌دهد، چندین بار روایت می‌شود.</p> <p>چندگانه: رویداد چندین بار رخ می‌دهد، چندین بار روایت می‌شود.</p>
---	---

بررسی عنصر زمان بر اساس نظریه جرالده پرنس و ژرار ژنت در داستان «بید فابینا، زن خفته»

۱- روایتگری مؤخر، مقدم، همزمان (جرالد پرنس)

بر اساس دیدگاه پرنس روایتگری بعد از وقوع رویدادها صورت گرفته است پس در این داستان با روایتگری مؤخر روبه‌روایم.

«انگشتان نرم و لاغرش قدرت عجیبی داشت» (موراکامی، ۱۳۹۷: ۱۱).
 «دوباره نگاهی به ساعت انداختم و گفتم» (همان: ۱۱).

۲- نظم: پیش‌نگر، پس‌نگر، همزمان (ژرار ژنت)

بر اساس دیدگاه ژنت رخدادی که قبلاً رخ داده و بعداً در متن داستانی روایت می‌شود روایتگری پس‌نگر است و در این قصه از موراکامی چون اطلاعات درباره شخصیت اصلی داستان است با روایتگری پس‌نگر روبه‌رو هستیم.

۳- فاصله زمانی (جرالد پرنس)

فاصله زمانی عمل روایتگری و رویدادهای روایت شده ممکن است متغیر باشد.
 در این رمان فاصله زمانی عمل روایتگری و رویدادهای روایت شده مشخص نیست.
 ژرار ژنت درباره فاصله زمان میان رویدادهای روایت شده و کنش روایتگری صحبتی به میان نیاورده است.
 پرنس نیز در کنار مطرح کردن این فاصله زمانی اذعان می‌دارد که: «تعیین اینکه روایتگری دقیقاً چه مدت

۱۱۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

پیش یا پس از رویدادهای روایت شده صورت گرفته است بسیار دشوار - و در واقع اغلب ناممکن - است» (پرینس، ۱۳۹۱: ۳۴ و ۳۵).

۴- مدت زمان (جرالد پرینس)

در داستان مورد مطالعه مدت زمان عمل روایتگری ذکر نشده است. ژنت در مورد مدت زمان عمل روایتگری نیز نظری را بیان نمی‌کند. و همچنان پرینس نیز بررسی این مسئله را دشوارتر از تعیین فاصله زمانی روایتگری و رویدادهای روایت شده می‌داند.

۵- سرعت (جرالد پرینس)

رویدادهای حدود دو یا سه ساعت، در بیست و یک صفحه روایت شده است. و در بعضی از قسمت‌ها عامل گسترش دیده می‌شود به عنوان مثال در قسمت‌هایی که راوی از گذشته خود یاد می‌کند. مثلاً داستان همراهی خود با دوستش را برای ملاقات با نامزد دوستش در بیمارستان تعریف می‌کند. البته موضوع اصلی داستان شنوایی پسرعمو است و این مسئله به صورت «تکراری» یک بار رخ داده و n بار نقل شده است. «گوش راستش خوب نمی‌شنید» (همان: ۱۲).

«در حالی که گوش چپش را به طرفم گرفته بود، سرش را بالا می‌گرفت و گیج نگاهم می‌کرد» (همان: ۱۳).

«حالا که حالت یک‌وری گرفتن سرش را در حالی که گوش چپش را به طرفم گرفته می‌بینم...» (همان: ۱۸).

به گفته پرینس: «هر چه دفعات توصیف یک رویداد بیشتر باشد، احتمالاً اهمیت بیشتری پیدا می‌کند» (پرینس، ۱۳۹۱: ۶۲).

۶- تداوم (ژرار ژنت)

در داستان مورد مطالعه ما روایت روند منفی دارد. یعنی نویسنده با شرح و بسط کلام و توصیف و پرداختن به جزئیات زمان روایت کردن واقعه‌ای کوتاه را طولانی می‌کند. رویدادی که دو یا سه ساعت طول می‌کشد را در بیست و یک صفحه بیان می‌کند.

۷- بسامد (ژرار ژنت)

در این داستان، مشکل شنوایی پسرعمو یک بار روی داده است و چندین بار ذکر شده است که نشان از اهمیت این موضوع است و بقیه رویدادها یک بار روی داده و یک بار نقل شده است.

بررسی و مقایسه عنصر «زمان» از دیدگاه جerald پرنس و ژرار ژنت... ۱۱۳

بررسی عنصر زمان بر اساس نظریه جerald پرنس و ژرار ژنت در داستان «میمون شیناگاوا»

۱- روایتگری مؤخر، مقدم، همزمان (جerald پرنس)

در داستان مورد مطالعه، روایتگری بعد از وقوع رویدادها صورت گرفته است. پس با روایتگری مؤخر روبرو هستیم.

«تازگی اسمش را به زحمت به یاد می آورد» (موراگامی، ۱۳۹۷: ۴۱).

«هر وقت اول خودش اسمش را بر زبان می آورد مشکلی در به یاد آوردن آن برایش پیش نمی آمد» (همان: ۴۱).

۲- نظم: پیش نگر، پس نگر، همزمان (ژرار ژنت)

بر اساس دیدگاه ژنت رخدادی که قبلاً رخ داده و بعداً در متن داستانی روایت می شود روایتگری پس نگر است و در داستان حاضر چون اطلاعات درباره شخصیت اصلی داستان است با روایتگری پس نگر رو به رو هستیم.

۳- فاصله زمانی (جerald پرنس)

در این داستان نمی توان تعیین کرد روایتگری چه مدت بعد از رویدادهای روایت شده صورت گرفته است. همان طور که در بررسی داستان «بید نابینا، زن خفته» گفتیم، ژنت در مورد فاصله زمانی نظری را بیان نمی کند.

۴- مدت زمان (جerald پرنس)

در داستان ما رویدادها حدود دو ماه طول می کشد. از زمانی که میزوکی درمان خود را آغاز می کند تا هنگامی که خانم ساکاکا مشکل میزوکی را حل می کند. همانطور که بیان شد ژنت درباره مدت زمان عمل روایتگری نظری ندارد.

۵- سرعت (جerald پرنس)

در داستان حاضر رویدادهایی که در حدود دو ماه اتفاق افتاده است در سی و پنج صفحه نقل می شود. که با این توصیف، سرعت روایت «میمون شیناگاوا» نسبت به داستان «بید نابینا، زن خفته» کمتر است. در بعضی قسمت ها حذف دیده می شود:

«دو ماه گذشت و هر چهارشنبه میزوکی برای مشاوره به طبقه سوم ساختمان بخشداری می رفت» (همان: ۶۱).

در قسمتی نیز، با چکیده روبرو هستیم جerald پرنس چکیده را دو نوع می داند و در قسمت گذشته میزوکی در خانواده، هنگامی که به دبیرستان شبانه روزی در شهر دیگر می رود با نوع اول آن یعنی هنگامی که برخی از ویژگی های چند رشته رویداد ارائه می شود روبرو می شویم.

اما رویداد اصلی داستان یعنی «فراموشی نام میز و کی» n بار رخ داده و m بار نقل شده است.

۶- تداوم (ژرار ژنت)

داستان حاضر روند مثبت دارد یعنی نویسنده با خلاصه‌گویی و کم کردن توصیف، حادثه‌ای که در چند روز اتفاق افتاده را در چند سطر بیان می‌کند.

۷- بسامد (ژرار ژنت)

در داستان حاضر فراموشی اسم چندین بار رخ داده و چندین بار ذکر شده است. بقیه رویدادها یک بار رخ داده و یک بار نقل شده است.

نتایج مقاله

همانطور که در متن مقاله، قابل رویت است ژنت در نظریه خود دو مقوله فاصله زمان و مدت زمان را که پرینس تعریف می‌کند، حذف می‌کند این در حالی است که پرینس خود معتقد است که تعیین این دو مقوله در داستان بسیار دشوار است و در بیشتر موارد غیر ممکن؛ فقط در برخی از انواع روایت - رمان خاطرات و رمان نامه‌نگاری - زمان روایتگری و زمان رویدادهای روایت شده اغلب آشکارا ذکر می‌شود در این صورت محاسبه فاصله زمانی آنها آسان است. اما ژنت برای این که یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم روایت‌شناسی، یعنی مسئله زمان را با الگوی ساده‌تری ارائه دهد «فاصله زمانی» و «مدت زمان روایتگری» را حذف کرده و مبحث «سرعت روایت» در دیدگاه پرینس را با دو مفهوم جداگانه «تداوم» و «بسامد» تعریف می‌کند.

همانطور که در بررسی دو داستان می‌بینیم، مفاهیمی که پرینس از زمان، تعریف می‌کند با دیدگاه ژنت تفاوتی ندارد. ژرار ژنت با توجه به دیدگاه‌های نظریه‌پردازان دیگر در باب زمان، کارکرد آن و گونه‌های آن در روایت، نظریه‌های دیگر روایت‌شناسان را جرح و تعدیل کرده و تعریفی جامع‌تر و کامل‌تر را مطرح می‌کند.

حاصل مطالعه دو داستان از موراکامی بر اساس دو نظریه‌پرداز، جرال پرینس و ژرار ژنت در زیر به صورت جدول ارائه می‌شود.

عنصر زمان در داستان «بید نابینا» و «میمون شیناگاوا» از دیدگاه جرال پرینس

جرالد پرینس	بید نابینا، زن خفته	میمون شیناگاوا
مؤخر، مقدم، همزمان	مؤخر	مؤخر
فاصله زمانی	تعیین آن ممکن نیست	تعیین آن ممکن نیست

بررسی و مقایسه عنصر «زمان» از دیدگاه جerald پیرس و ژرار ژنت... ۱۱۵

مدت زمان	مدت زمان روایتگری معلوم نیست	مدت زمان روایتگری معلوم نیست
سرعت	- رویدادهای حدود دو یا سه ساعت در بیست و یک صفحه بیان شده . - گسترش - روایتگری تکراری	- رویدادهای دو ماه در سی و پنج صفحه بیان شده . - حذف - چکیده (برخی از ویژگی های چند رشته رویداد ارائه می شود). و رویدادهای که n بار رخ داده m بار ذکر شده است.

عنصر زمان در داستان «بید نابینا» و «میمون شیناگوا» از دیدگاه ژرار ژنت

ژرار ژنت	بید نابینا، زن خفته	میمون شیناگوا
نظم	پس نگر	پس نگر
تداوم	روند منفی	روند مثبت
بسامد	تکراری: رویدادها یک بار رخ داده و چندین بار ذکر شده است.	چند گانه: فراموشی نام چندین بار رخ داده و چندین بار ذکر شده است. مفرد: بقیه رویدادها یک بار رخ داده و یک بار نقل شده است.

کتابشناسی

- بارت، رولان؛ تودوروف، تزوتان؛ پرینس، جراللد. (۱۳۹۴). **درآمدی بر روایت‌شناسی**، ترجمه هوشنگ رهنما، چاپ اول، تهران، هرمس.
- برتنس، هانس. (۱۳۸۷). **مبانی نظریه ادبی**، ترجمه محمد رضا ابوالقاسمی، چاپ اول، تهران، ماهی.
- بی‌نیاز، فتح‌الله. (۱۳۹۳). **درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی**، چاپ پنجم، تهران، افراز.
- پرینس، جراللد. (۱۳۹۱). **روایت‌شناسی (شکل و کارکرد روایت)**، ترجمه محمد شهباز، چاپ اول، تهران، مینوی خرد.
- ریمون کنان، شلومیت. (۱۳۸۷). **روایت داستانی بوطیقای معاصر**، ترجمه ابوالفضل حرری، چاپ ۱، تهران، نیلوفر.
- موراکامی، هاروکی. (۱۳۹۷). **دیدن دختر صددرصد دلخواه در صبح زیبای ماه آوریل**، ترجمه محمود مرادی، چاپ پانزدهم، تهران، ثالث.
- هرمن، دیوید. (۱۳۹۳). **عناصر بنیادین در نظریه‌های روایت**، ترجمه حسین صافی، تهران، نشر نی.
- بهنام‌فر، محمد، شامیان ساروکلایی، اکبر، طلایی، زینب. (۱۳۹۳). **بررسی زمانمندی در رمان سالمرگی بر اساس نظریه ژرار ژنت**، مجله متن پژوهی ادبی، تابستان، شماره ۶۰، ۱۴۴-۱۲۵.
- حسن پور آلاشتی، حسین، احمد ناطقی، مریم. (۱۳۹۶). **کارکرد نظریه زمان در روایت ژرار ژنت در تحلیل رمان همسایه‌ها**، فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، سال دوم، زمستان، شماره ۵، ۲۸-۷.
- قاسمی‌پور، قدرت. (۱۳۸۷). **زمان و روایت، مجله نقد ادبی**، تابستان، شماره ۲، ۱۴۴-۱۲۳.
- یعقوبی، رویا. (۱۳۹۱). **روایت‌شناسی و تفاوت میان داستان و گفتمان**، پژوهشنامه فرهنگ و ادب، سال هشتم، بهار و تابستان، شماره ۱۳، ۳۱۱-۲۸۹.
- Prince, gerald (1970). 'Presupposition and Narrative Strategy' in *centrum* 1(1) ; 23-31.
- Genette, gerard (1980). 'Narrative Discourse' translated by Jane E. Lewin, cornell university press Ithaca, new York.